



جنوب غرب ایران در دوره ساسانی (با استناد به باقی مانده بناهای چهارتاقی و مدارک و متون تاریخی و جغرافیایی قرون ۳ تا ۹ ه.ق.)

عباس نامجو^۱

(صص: ۱۵۲ - ۱۳۷)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۰۷

شناسه دیجیتال (DOI): 10.30699/PJAS.4.12.137

چکیده

دو استان خوزستان و ایلام به واسطه موقعیت جغرافیایی خود همواره در طول تاریخ مورد توجه تمامی حکومت‌های مستقر و حاکم در ایران بودند. این توجه منحصر به یک یا دو دولت نبود و این اقبال در طول تاریخ حتی پیش از تاریخ به واسطه موقعیت جغرافیایی مناسب و همجواری با بین‌النهرین ادامه داشت. در برخی از دوره‌ها بنا به دلایل سیاسی، مذهبی، قومی و... مقرر قدرت در بخش خارج از جنوب غرب فلات ایران متمرکز بود. حکومت‌هایی چون هخامنشی و ساسانی از آنجمله هستند. دولت ساسانی با بیش از ۴ قرن حکمرانی در گستره‌ای عظیم در آسیای غربی، همواره توجه ویژه‌ای به خاک پارس داشت. شهرهای معتبر این دوره چون استخر، گور و شاپورخوره در این حوزه جغرافیایی احداث شدند. شمار قابل توجه نقوش برجسته، بناهای معماری عام‌المنفعه، آتشکده‌ها (چهارتاقی‌ها)، گواه بر این جایگاه استثنائی سرزمین پارس است. اما با تمامی این دلایل، جنوب غرب، مشخصاً خوزستان و ایلام، همچنان در کانون توجه دولتمردان ساسانی بود. در این پژوهش با استناد به متون و منابع مکتوب تاریخی، جغرافیایی و سفرنامه‌های (تألیف شده در فاصله قرن‌های سوم تا نهم ه.ق.) و بناهای چهارتاقی و آتشکده‌های متعدد و قابل توجه در این نواحی این اهمیت و توجه مورد بررسی قرار گرفت. روش تحقیق در این پژوهش، تاریخی و توصیفی است. با بررسی متون و مدارک باستان‌شناختی (چهارتاقی‌ها) و مطالعه در خط سیر ساخت چهارتاقی از جنوب به شمال در کرانه مرزی بین‌النهرین باستان، و اشاره غالب متون تاریخی به وجود آتشکده‌های متعدد در این نواحی، می‌توان به این نتیجه رسید که این بخش از خاک ایران اهمیتی برابر با پارس در حکومت ساسانی داشته، و این مناطق نیاز به بررسی و کاوش‌های بیشتر در حوزه دولت ساسانی دارد.

کلیدواژگان: دوره ساسانی، بیشاپور، تزئینات معماری، گچبری.

مقدمه

عمده تمرکز حاکمیتی، صرف بودجه‌های کلان در آبادسازی، ساخت شهرهای باشکوه، طراحی و ساخت راه‌ها و ابنیه در دولت بزرگ ساسانی، عمدتاً در قلمرو مرکزی، یعنی استان امروز فارس بوده است. احداث شهرهای بزرگی چون گور (فیروزآباد)، شاپورخوره (بیشاپور همجوار کازرون) و استخر در فاصله جغرافیایی اندک از هم، شبکه پهن‌آور اقتصادی، دسترسی به خلیج فارس، و آب‌وهوای معتدل و مناسب نشان از توجه خاص دولتمردان ساسانی به این منطقه است. اسلاف آن‌ها نیز، یعنی هخامنشیان، بسیار پیش‌تر مسکن و مأوای خویش را در پاسارگاد و پارسه نهاده بودند. این منطقه از دولت هخامنشیان به این سو، مورد توجه واقع شد. در ذکر دلایل آن، و این که چرا حاکمین علاوه بر شوش محل دیگری را به عنوان جایگاه قدرت خود برگزیدند، نیاز به بررسی و پژوهشی جداگانه است. ولی اینجا و در اشاره‌ای موجز، می‌توان از دلایلی چون به دور نگاه داشتن تاج و تخت از مرزهای غربی^۱، به جهت حفظ برقراری امنیت بیشتر، کنترل کامل و مقتدرانه‌تر خلیج فارس و انگیزه‌های دینی و قومی و نژادی نام برد.

اما کرانه‌های غربی دولت ساسانی نه همچون مقرر حکومت، به گمانی به جهت موقعیت راهبردی همچنان در مرکز توجه بود. حکمرانان ساسانی نمی‌توانستند از جلگه خوزستان و سرزمین‌های شمالی (ایلام) به واسطه همجواری با بین‌النهرین و معبر دنیای غرب، چشم‌پوشی کنند و همین بهانه کافی بود که مأموریت شماری از شاهزادگان پارسی، کنترل و حکومت بر این نواحی باشد. در این پژوهش با استناد به مدارکی به این نکته می‌پردازیم که این منطقه با وجود تغییر جغرافیایی مقرر قدرت، همچنان در کانون توجه بوده است.

در پژوهش پیش‌رو، دو منطقه خوزستان و ایلام به دلیل قرار داشتن در یک خط‌الرأس جغرافیایی مورد بررسی تاریخی، جغرافیایی و باستان‌شناختی قرار خواهند گرفت؛ گرچه به جهت تعیین قلمرو مکانی از دو منطقه اسلام‌آباد غرب و گیلان غرب که هر دو در استان کرمانشاه واقع شده‌اند، صرف نظر شد. ملاک بررسی، تقسیمات سیاسی استان‌های ایران است. بازه زمانی مطالعه، طول مدت دولت ساسانی است و گستره جمعیتی پژوهش نیز بناهای چهارتاقی به عنوان بناهای کاربردی در آن روزگار و ساختمانی با کاربرد مذهبی است.

پرسش‌های پژوهش: چرا حکمرانان ساسانی با وجود تعلق قومی و نژادی به مرکز خاک ایران همچنان توجه راهبردی به کرانه‌های غربی و جنوب‌غربی داشتند؟ مرزهای غربی و جنوب‌غربی ایران چه اهمیتی برای دولت ساسانی داشته؟ و با چه مدارک باستان‌شناختی و تاریخی می‌توان این اهمیت و توجه را اثبات کرد؟

روش پژوهش: روش پژوهش در این مقاله تاریخی، با تحلیل محتوای متون و منابع تاریخی و مدارک باستان‌شناختی، مشخصاً بنای چهارتاقی موجود از شمال ایلام تا جنوب خوزستان است. این پژوهش را می‌توان به نوعی روش تطبیقی نیز دانست؛ زیرا در این پژوهش مدارک باستان‌شناختی با متون تاریخی، در حد امکان به مقایسه و تطبیق گذاشته می‌شود. ابزارهای پژوهش در معرفی چهارتاقی‌ها، منابع و متون عموماً تاریخی، جغرافیایی، سفرنامه‌هایی که در فاصله قرن‌های ۳ تا ۹ ه.ق. تألیف شده و مدارک باستان‌شناختی است.

هم‌چنین در خصوص جغرافیای تاریخی این دو منطقه اشاراتی در منابع جغرافیایی کهن شده است (اصطخری، ۱۳۷۳؛ مقدسی، ۱۳۸۵؛ مستوفی، ۱۳۸۱؛ یاقوت، ۱۳۸۰؛ قزوینی، ۱۳۷۱؛ یعقوبی، ۱۳۸۱؛ حافظ‌ابرو، ۱۳۷۸ و حدودالعالم، ۱۳۸۳). این متون به شهرها، راه‌ها، حدود و پوشش گیاهی و گونه‌های حیوانی پرداخته‌اند. به این نواحی در متون تاریخی نیز پرداخته شده است، از معتبرترین منابع می‌توان از «طبری» (۱۳۷۵) نام برد که به تفصیل از حوادث خوزستان یاد کرده است. دیگر متون (ابودلف، ۱۳۴۲؛ مسعودی، ۱۳۸۲ و...) حسب مورد نگاهی

به احوالات منطقه دارند. از میان سفرنامه نویسان «ابن بطوطه» (۱۳۷۶) نگاه ویژه‌ای به این نواحی داشته است.

پیشینه پژوهش

محققان ایرانی معاصر نیز در این حوزه پژوهش‌هایی را انجام داده‌اند، از جمله می‌توان به کتاب خوزستان و کهگیلویه و ممسنی نوشته «احمد اقتداری» اشاره کرد که از سوی انجمن آثار ملی در سال ۱۳۵۹ ه.ش. منتشر شده است؛ از همین نویسندگان مقاله‌ای نیز در معرفی بهبهان و آثار تاریخی آن موجود است (اقتداری، ۱۳۶۶). هم‌چنین «سیمین لک‌پور» پژوهشی در تاریخ و جغرافیای دره‌شهر دارد؛ وی حفاریات و بررسی باستان‌شناسی در این منطقه داشته که گزارش آن را منتشر کرده است (لک‌پور، ۱۳۸۴). ضمناً کتابی در خصوص چهارتاقی‌های ایران جمع‌آوری شده و این بناها به لحاظ سبک، فرم و موقعیت مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته‌اند (نامجو، ۱۳۹۲). هم‌چنین شماری تحقیقات قابل ملاحظه‌ای پیرامون معماری آتشکده‌ها با رویکرد بناهای مذهبی هم در ایران و هم در منطقه انجام داده‌اند (هژبری، ۱۳۹۵؛ علی بیگی، ۱۳۹۰). پژوهشگران غیر ایرانی معاصر هم در این منطقه، مطالعات و کاوش‌هایی را انجام داده و در معرفی باستان‌شناختی و تاریخی منطقه، آثاری برجای گذارده‌اند؛ معروف‌ترین آن‌ها باستان‌شناس نامی، «لویی وان‌دنبِگ» است، وی تحقیقات گسترده‌ای در منطقه شمال ایلام و حد مرزی پشتکوه لرستان انجام داده و حاصل این پژوهش‌ها به صورت مقاله‌هایی به سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۷۷ م. در مجله ایرانیکا آنتیکوا منتشر شده است (Vanden Berghe, 1965 & 1977). هم‌چنین «کلاوس شیپمان» در کتابی که در سال ۱۹۷۱ م. به چاپ رساند، گزارش مفصلی از آتشکده‌های ایران ارائه کرد (Schippmann, 1971). در این کتاب به آتشکده‌های خوزستان و ایلام هم اشاره شده است. ضمن این‌که «هاینس گابو» کتابی در معرفی ارجان و کهگیلویه تألیف کرده که به سال ۱۳۵۹ ه.ش. به فارسی ترجمه شد و از سوی انجمن آثار ملی به چاپ رسید. ضمناً به واسطه همجواری ایلام با جنوب کرمانشاه به خصوص مناطقی چون اسلام‌آباد، طی سال‌های اخیر حفاریات گسترده‌ای در حوزه مطالعات ساسانی صورت گرفته است؛ تعدادی از این پژوهش‌ها مربوط به چهارتاقی و بناهای مذهبی ساسانی است (محمدی‌فر، ۱۳۹۰؛ رضوانی، ۱۳۸۵؛ مرادی، ۱۳۸۸).

موقعیت سرزمینی

خوزستان: شمال و شرق خوزستان را رشته‌کوه زاگرس فراگرفته است که ارتفاعات آن در جهت جنوب‌غربی کاهش می‌یابد؛ به طوری که در نواحی جنوبی‌تر به صورت تپه‌ماهورهای نمایان می‌شود. این استان را از نظر پستی و بلندی می‌توان به دو منطقه کوهستانی و جلگه‌ای تقسیم کرد. منطقه کوهستانی در شمال و شرق استان قرار گرفته و منطقه جلگه‌ای آن از جنوب دزفول، مسجد سلیمان، رامهرمز و بهبهان آغاز شده و تا کرانه‌های خلیج فارس و اروندرود ادامه می‌یابد. خوزستان دارای آب‌وهوای متنوع است.

ایلام: ناهمواری‌های استان ایلام از چین‌خوردگی‌های موازی در جهت شمال‌غربی و جنوب‌شرقی به وجود آمده است. این کوه‌ها از رسوبات دوران اول تا چهارم زمین‌شناسی به یادگار مانده، ولی شکل‌گیری کلی آن‌ها عموماً به دوران دوم و سوم زمین‌شناسی مربوط است. این کوه‌ها چنان گسترده و فشرده‌اند که امکان شکل‌گیری دشت‌های میان‌کوهی را از بین برده، به گونه‌ای که اکنون شمال و شرق ایلام فاقد دشت‌های وسیع است.

باتوجه به نقشه ناهمواری‌های این منطقه به درستی مشخص می‌شود که شمال و شمال‌شرقی استان از ارتفاعات و کوهستان‌های بلند تشکیل شده و نیمه غربی و جنوب‌غربی آن

از نواحی کم‌ارتفاع با شیبی به طرف غرب شکل‌گرفته است که دشت‌های وسیع گرمسیر منطقهٔ مهران-دهلران و دشت عباس را دربر می‌گیرد. ارتفاع این دشت‌ها از ۳۰۰ متر کمتر است. وجود این ناهمواری‌ها که در مجاورت سرزمین پست قرار گرفته‌اند، اختلاف ارتفاع این دو نیمه را به حدود ۳۰۰۰ متر می‌رساند.^۲

جغرافیای تاریخی منطقه

در متون، پیرامون جغرافیای تاریخی خوزستان تقریباً آگاهی یکسانی وجود دارد. حدود منطقه، شهرها و وضعیت اقلیمی در همهٔ متون به یک شکل و با اندک تفاوتی آمده است. «اصطخری» اطلاعات زیادی در مورد خوزستان ارائه نمی‌دهد. او تنها به چند شهر خوزستان چون شوشجرد (سوسنگرد)، رامهرمز، جندی شاپور، و آسک و... اشاره می‌کند و مسافت میان شهرهای خوزستان را چون ارجان تا آسک و... را برمی‌شمرد (اصطخری، ۱۳۷۳: ۸۵-۸۲).

مؤلف حدودالعالم، خوزستان را ناحیه‌ای در مشرق پارس معرفی کرده است. محدودهٔ آن را از شرق، سپاهان، از جنوب به دریا و بعضی از حد عراق، از مغرب به بعضی از حدود عراق، سواد بغداد و واسط و شمال آن را از شهرهای جبال آورده و شهرهای آن را شامل: باسیان، آسک، اهواز، رامهرمز، عسکر مکرّم، مسرقان، ایزه، شوش و... دانسته است (حدودالعالم، ۱۳۸۴: ۳۸۳).

«مقدسی» نیز از شهرهای خوزستان سخن گفته است: مردم اهواز، عسکر، جندی شاپور، و سوس (شوش) خوزی‌اند. فهرست شهرهایی که نام می‌برد، شامل: شوش، جندی شاپور، شوشتر، اهواز، دورق و رامهرمز است (مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۰۵-۶۰۲).

«مستوفی»، خوزستان را منطقه‌ای می‌داند که ۱۲ شهر بغایت گرم دارد. حدودش تا ولایت عراق عرب و کردستان و لرستان و فارس پیوسته است (مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۶۶). به نوشتهٔ «یاقوت»، سرزمین خوزستان و هوای آن و بهداشت آن همانندی بسیار با عراق دارد... همه‌جای آن رودخانه است. هیچ‌جا خالی از نخلستان نیست. در همهٔ دیار نیشکر فراوان است. زبان مردم شهرهای ایشان فارسی و عربی است، لیکن زبانی ویژه نیز به نام خوزی دارند که نه عبری و نه سریانی و نه عربی و نه فارسی است (یاقوت، ج/۲، ۱۳۸۰: ۳۲۸).

خوزستان در دورهٔ ساسانی مورد توجه بوده است. به روایت طبری، اردشیر در عهد سلطنت خود ۸ شهر بنیاد کرد: از آن جمله شهر «هرمزاردشیر» یا «سوق‌الاهواز» است (طبری، ۱۳۷۵: ۱۰۹). در متون اسلامی از شهرهایی در منطقهٔ خوزستان نام برده شده که اکنون در مکان یابی آن‌ها اتفاق نظری وجود ندارد.

در تاریخ ساسانی احداث شهری به قباد نسبت داده شده و در برخی از متون به آن پرداخته‌اند. «بلعمی» از ملک‌های باشکوه به حدود اهواز و فارس به نام «ارجان» به دستور قباد می‌گوید (بلعمی، ۱۳۸۵: ۶۷۱). «قباد اول» پادشاه ساسانی پس از پیروزی بر رومیان در ۵۰۲ م. و به اسارت درآوردن بسیاری از زمین، بنای شهری جدید بین فارس و اهواز را فرمان داد و آن را به صورت «کوره» درآورد و چند ناحیه را تابع آن ساخت. طبری از «رامقباد» که همان «بومقباد» باشد یاد کرده است (نیستانی، ۱۳۷۷: ۴۶۲).

در روزگار ساسانیان، در نزدیکی شهر بهبهان کنونی شهری به نام «ارجان» وجود داشت. پس از آن که این شهر در سال ۱۰۸۵ م. بر اثر زلزله ویران شد، این شهر احداث شد. اما به احتمالی بهبهان شکل دیگر «به‌آمدکواد» و یا از ریشهٔ «بغبغان» یعنی شهر «موبد موبدان» است. برای مطالعهٔ آثار بازمانده در شهرستان بهبهان، باید آثار جلگهٔ تشون بازمانده شهر «به‌آمدکواد» ساسانی، و آثار ارگان (ارجان) قدیم و قبادخوره و تنگ تکاو، آثار شهر بهبهان کنونی و اطراف آن، آثار پل و آتشکده را دید (اقتداری، ۱۳۶۶: ۲۸۶-۲۷۶).

استان ایلام امروز به دلیل موقعیت جغرافیایی خود بعضاً در بین استان‌های دیگر مورد مطالعه قرار گرفته است. برخی این استان را به خصوص بخش‌های شمالی و شرقی آن را در محدوده لرستان بزرگ آورده‌اند. شمار دیگر بخش‌هایی از این منطقه را به ویژه جنوب و غرب آن در حوزه استان خوزستان برشمرده‌اند. شاید بهترین تعریف را «یعقوبی» در البلدان آورده است که مردم آنجا آمیخته‌ای از عرب، عجم و از فارس و گردها هستند (یعقوبی، ۱۳۸۱: ۳۶). در هیچ یک از متون، منطقه‌ای به نام ایلام دیده نشده است. این منطقه بیشتر به نام «صیمره (کمره)» معرفی شده است... در آن مرغزار، چشمه‌ها و نه‌رهایی است که آبادی‌ها و مزرعه‌ها را مشروب می‌کند (همان). مهم‌ترین شهر ایلام در حال حاضر دره شهر است. در این شهر، قدیمی‌ترین احداث بنای ساسانی بر روی خاک بکر بوده است و آثار اسلامی با بازسازی در آثار معماری دوره ساسانی تا قرن ۵ و ۶ ادامه یافته است. مصالح معماری از قلوه سنگ، ملات ساروج در فرم دهی چهارتاقی است (لک‌پور، ۱۳۸۴).

شهرهای مهم خوزستان و چهارتاقی آن مطابق متون اسلامی

ایذه: از شهرهای مهم خوزستان است. «ابن بطوطه» می‌گوید: از تستر حرکت کردیم، سه روز از کوه‌های بلند راه افتادیم تا به شهر ایذه رسیدیم. در هریک از منازل این راه زاویه‌ای بود. ایذه را «مال‌الامیر» نیز می‌نامند و آن پایتخت «سلطان اتابک» است (ابن بطوطه، ج ۱، ۱۳۷۶: ۲۳۹). ایذه در کرانه کارون علیا در شرق مسجد سلیمان واقع شده است و عرب‌ها «ایذج» می‌گفتند.

«ابودلف» در میان سفرهای خود از ایذه نیز بازدید کرده و شرح توصیفات وی در شماری از متون تاریخی آمده است. وی از آتشکده، پل و گرداب رودخانه این شهر گفته است. او آورده است: میان اصفهان و اهواز پل ایذج قرار دارد. این پل از شگفتی‌های قابل توجه جهان است؛ زیرا با سنگ بر روی رودخانه خشک و بسیار عمیقی بنا شده، در ایذج زلزله بسیار روی می‌دهد... در ایذج آتشکده‌ای برپا می‌باشد که تا زمان «هارون الرشید» فروزان بوده (ابودلف، ۱۳۴۲: ۸۷). «طوسی» از آتشکده ایذج نام برده است (طوسی، ۱۳۸۲: ۹۹).

در محل اصلی این آتشکده، گمان‌هایی وجود دارد. برخی اشکفت سلمان را محل این آتشکده می‌دانند، شماری ارتفاعات شمی را، و گروهی بردنبشته (برده‌نشاندن)، (اقتداری، ۱۳۵۹: ۸۱). «مینورسکی» در تعلیقات مفصلی که در سفرنامه ابودلف دارد، شمی را به احتمال زیاد محل اصلی آتشکده ایذج می‌داند (ابودلف، ۱۳۴۲: ۱۴۱).

هندیجان: ابودلف به این شهر سفر کرده، مطالبی را در توصیف آن گفته که مأخذ بسیاری از جغرافیانویسان بعدی شده است؛ وی هندیجان را میان آسک و ارجان آورده است و می‌گوید در این شهر آثار و بناهای زیادی از عاد برجای مانده است. او از آتشکده‌های متعدد این شهر یاد کرده است (ابودلف، همان: ۹۱). «فزینی» (۱۳۷۱، ج ۱: ۳۶۸) و مستوفی (۱۳۸۱: ۱۸۸) از هندیجان و آتشکده‌های آن گفته‌اند.

محل کنونی هندیجان که چیزی از آن به عنوان یک محل سکونت قدیمی به دست نیامده، در حقیقت جانشین شهر قرون وسطایی هندیجان/هندوان است که در شمال آن واقع و شاید هم در محل کنونی کوت بوده است. تغییر محل این نقطه مسکونی به سوی دریا را باید در رابطه با بدتر شدن رفت و آمد کشتی‌ها در رود هندیجان دید (گاوبه، ۱۳۵۹: ۷۴). هندیجان از نظر جغرافیایی در اثر فرسایش آب رودخانه زهره بارها تغییر مکان داده است. جایی که در حال حاضر «امامیه» خوانده می‌شود یک زمانی شهر هندیجان بوده است (کنعانی هندیجانی، ۱۳۸۱: ۲۲۹). در مجموع، محل هندیجان کهن در محل هندیجان فعلی یا در حدود آن واقع بوده است. بقایای آتشکده در حال حاضر در این منطقه قابل شناسایی نیست.

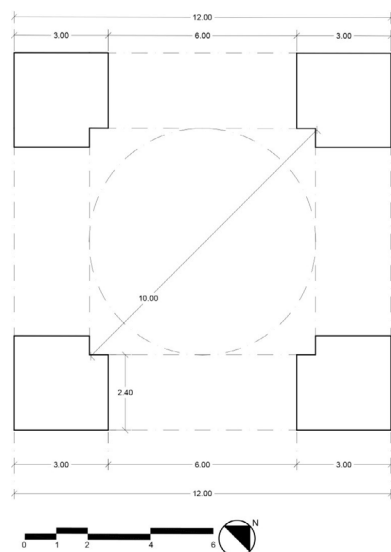
دورق: ابودلف که خوزستان را کاملاً دیده، روایت‌های جالبی از شهرهای خوزستان دارد و از همین رو مرجع بسیاری از جغرافیانویسان شده است؛ وی این شهر را بر سر راه رامهرمز معرفی کرده است. به نوشته او، در این راه که از بیابان بایری می‌گذرد، آتشکده‌هایی وجود دارد (ابودلف، ۱۳۴۲: ۸۹). وی در ادامه می‌گوید که در دورق ساختمان‌های قدیمی مربوط به «قبازبن دارا» موجود است (همان: ۹۰).

بنا به نوشته طبری در روایت فتح شوشتر در ۱۷ هجری قمری «دورق» همان شهر «سُرق» است (طبری، ۱۳۷۵: ۳۷۷). «مسعودی» نیز به هنگام سخن از «دریای پارس» از «خلیج مثلث شکلی» یاد می‌کند که یک زاویه آن به دیار اُبله می‌رسد و بر مشرق آن ساحل فارس و دیار دورق ایران و ماهریان و شهر سنینز است (مسعودی، ج/۱، ۱۳۸۲: ۱۰۷). یاقوت، هم‌چنین درباره نام کهن این منطقه می‌افزاید که: «شادگان» یا «خوزبزی» نام ناحیتی است که قبلاً به نام «فلاحیه» معروف و قدیماً شهرستان «دورقستان» بوده است (یاقوت، ج/۲، ۱۳۸۰: ۷۳). بی‌گمان حوادث این قرون آثار بسیاری را در این منطقه ویران ساخته است، گویی تخریب آتشکده نیز در پی این حوادث بوده است.

آتشکده‌ها و چهارتاقی‌های خوزستان

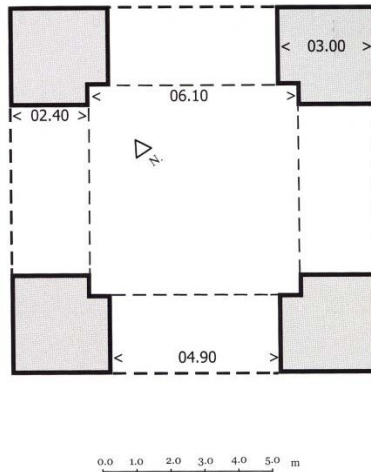
چهارتاقی سیم‌بند: این اثر در شمال شرقی شهر مسجدسلیمان و در مسیر راه «سد شهید عباسپور» (در فاصله ۳ کیلومتری جنوب جاده آسفالته) چهارتاقی سیم‌بند قرار گرفته است. این چهارتاقی به «چهارتاقی خشکه چین اندیکا» نیز معروف است. بنای اندیکا باتوجه به نوع مصالح و شیوه ساختمان مشابه کعبه زرتشت و بنای چهارگوشه پاسارگاد است، با این تفاوت که ورودی آن تاق قوسی است. باتوجه با این ویژگی‌ها این بنا را برخی به دوره هخامنشی منسوب می‌کنند (Schippmann, 1971: 214).

چهارتاقی کیکاووس: این بنا در ۲۰ کیلومتری شمال غرب بهبهان در نزدیکی روستایی به همین نام قرار دارد؛ ابعاد خارجی بنا حدود ۱۲ متر بوده است. ارتفاع بنا نیز حدود ۱۰٫۵ متر است. ضخامت دیوارها ۲٫۴۰ متر است و از سنگ و ملات محکمی ساخته شده‌اند (نقشه ۱). از نظر فرم، بنا شبیه چهارتاقی خیرآباد است که نزدیک پل ساسانی به همین نام قرار دارد. این بنا در میان یک مزرعه بایر قرار گرفته است (Schippmann, 1971: 216).



نقشه ۱. چهارتاقی کیکاووس (نگارنده، ۱۳۹۸).

آتشکده خیرآباد: این بنا در ۱۵ کیلومتری شرق بهبهان قرار دارد. این اثر در ساحل چپ خیرآباد رود و چند ده متری تنها پایه برجای مانده از یک پل عهد ساسانی بنا شده است. چهارطاق خیرآباد که بردشت وسیع بهبهان اشراف دارد، در محل گذر از رودخانه، یعنی پل که از دور ناپیدا است، ساخته شده است (گذار، ج/۳، ۱۳۷۱: ۱۸۱). اندازه‌های چهارطاقی خیرآباد اندکی کوچک‌تر از چهارطاقی نیاسر است (نقشه ۲)، (مرادی غیاث‌آبادی، ۱۳۸۹: ۴۹).



نقشه ۲. چهارطاقی خیرآباد (مرادی غیاث‌آبادی، ۱۳۸۹: ۴۹).

آتشکده‌ها و چهارطاقی‌های ایلام

چهارطاقی دره شهر در دره سیمره قرار دارد. کوه‌های «مله‌افتو» در شمال شرق دره شهر به ارتفاع ۱۹۵۰ متر واقع شده و ادامه آن در محلی به نام «دمشا» محلی که رودخانه سیمره به جانب خوزستان تغییر مسیر می‌دهد، تا خاک بختیاری کشیده شده است. در غرب محوطه باستانی دره شهر بلندی‌هایی است که اهالی آن‌ها را «تپه‌های گچی» می‌نامند که ادامه ساخت‌وسازهای کهن است (لک‌پور، ۱۳۸۴: ۱۲۷-۸۶).

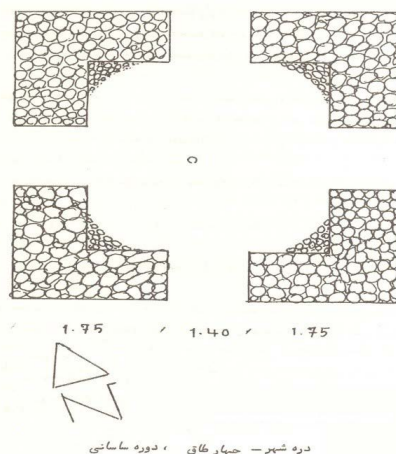
در شرق شهرستان دره شهر، در کنار چپ رودخانه سراب، بر روی تپه ماهوری تنوره سرخ، ساختمان یک چهارطاقی به چشم می‌خورد که به چهارطاقی دره شهر یا در محل به «طاق» معروف است. این چهارطاقی بر نقشه مربع به ابعاد ۵ متر بنا شده است. گنبدی تک‌جداره بر روی چهارگوشواره به ارتفاع ۵ متر بر فراز بنا ساخته شده است (تصویر ۱ و نقشه ۳).

چهارطاقی جولیان: بقایای شهر باستانی معروف به «جولیان» در بخش کوهستانی آبدانان که یکی از شهرستان‌های جنوبی ایلام است، در دامنه جنوبی کبیرکوه واقع است. برای دستیابی به این محل از جاده آبدانان به مورموری استفاده می‌شود و در محل روستای چم‌کبو و از طریق یک جاده روستایی میان اراضی می‌توان به محدوده آثار جولیان دست یافت.

آثار موجود در محوطه تاریخی جولیان در یک محوطه وسیع و گسترده قرار دارد. چهارطاقی جولیان در بخش شمالی محوطه جولیان و در دامنه ارتفاعات و مشرف به شهر است. این اثر به‌عنوان یک اثر شاخص قابل توجه است. چهارطاقی بر روی یک پشته طبیعی ساخته شده است. نقشه چهارطاقی جولیان همانند چهارطاقی‌های عصر ساسانی از چهار پایه مکعب مستطیل و جدا از هم تشکیل شده است. مصالح این بنا کاملاً از لاشه سنگ غوطه‌ور در ملات گچ است. فضای داخلی این چهارطاقی بدون محاسبه فضاهای بین جرزها با نقشه مربع شکل با هر ضلع ۶ متر است و احتساب دیوار طواف ابعاد این چهارطاقی با هر ضلع به ۱۴/۵ متر می‌رسد (محمدی‌فر و مترجم، ۱۳۹۰: ۸۸-۷۷).



تصویر ۱. چهارتاقی دره شهر، بعد از مرمت (نگارنده، ۱۳۹۸).



نقشه ۳. آتشکده دره شهر (لک‌پور، ۱۳۸۴: ۸۷).

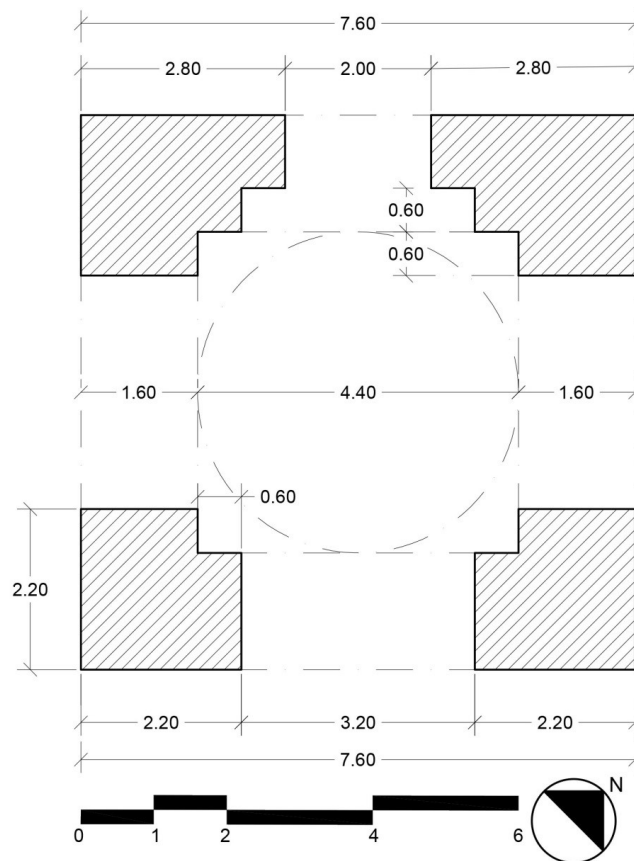
آتشکده سیاهگل ایوان: این آتشکده در ۲۵ کیلومتری شهرستان ایوان در بخش زرفه و در سواحل رودخانه گنگیر و در میان زمین‌های کشاورزی اهالی سیاهگل واقع شده است. آتشکده باتوجه به شیوه و سبک معماری، ساسانی است. نخستین کاوش‌های باستان‌شناسی در منطقه از سوی «واندنبگ» در سال ۱۳۴۹ ه.ش. صورت گرفته است که یکی از دستاوردهای آن این آتشکده بوده است (ناصری، ۱۳۸۲: ۳۷-۳۴).

آتشکده موشگان (سرابله): در شهر باستانی «سیروان» یا «شیروان چرداول» کنونی در روستای موشگان سرابله در ۳ کیلومتری شهر سرابله واقع شده است که براساس گزارش‌ها و آثار مکتوب این شهر در دوره ساسانی رونق بسیاری داشته و موقعیت خود را تا قرن ۴ ه.ق. حفظ کرده است.

چهارتاقی مولاب: این بنا در دهه اخیر به ثبت رسیده است. این بنا در آبدانان در شرق روستای مولاب واقع است. بنا حدوداً مربع و به ابعاد ۵ متر است. دیوارهای بنا از روی پی به صورت مؤزب به طرف داخل به گونه‌ای طراحی شده که گنبد به راحتی و بدون فیل‌پوش اجرا شده است.

آتشکده قجر دره شهر: این آتشکده در بخش مرکزی، میش خاص، روستای قجر واقع شده است. بنای آتشکده میان روستا قرار گرفته است. این آتشکده از بناهای مخروب استان ایلام است. واندنبرگ در سال ۱۹۷۷ م. در مقاله‌ای با عنوان «چهارتاقی‌های پشتکوه لرستان» برای نخستین بار به معرفی تعدادی از چهارتاقی‌های این منطقه پرداخت (Vanden Berghe, 1977). از آنجاکه پشتکوه منطقه‌ای است که به لحاظ جغرافیایی به لرستان متعلق است، اما به جهت تقسیمات کشوری در استان ایلام واقع است و در این بخش مورد مطالعه قرار گرفت (Vanden Berghe, 1977: 199).

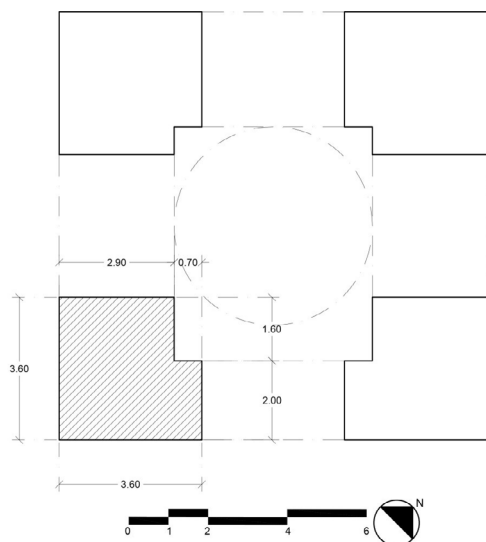
چهارتاقی طبل‌خانه یا نقاره‌خانه یا پشت اریشت: بر روی یک سکو از سنگ‌های کوه احداث شده است. ارتفاع این سکو حدوداً یک متر است. چهارتاق به‌گونه‌ای ساخته شده که زاویه‌های آن ۴ جهت اصلی و جغرافیایی را نمایش می‌دهند. در ۲۰ متری شمال شرقی چهارتاق بقایای سکوهایی دیده می‌شود که می‌تواند نشانه‌هایی از آتشکده و آتش مقدس باشد (نقشه ۴).



نقشه ۴. چهارتاقی پشت اریشت (Vanden Berghe, 1977: 176، اجرا: نگارنده).

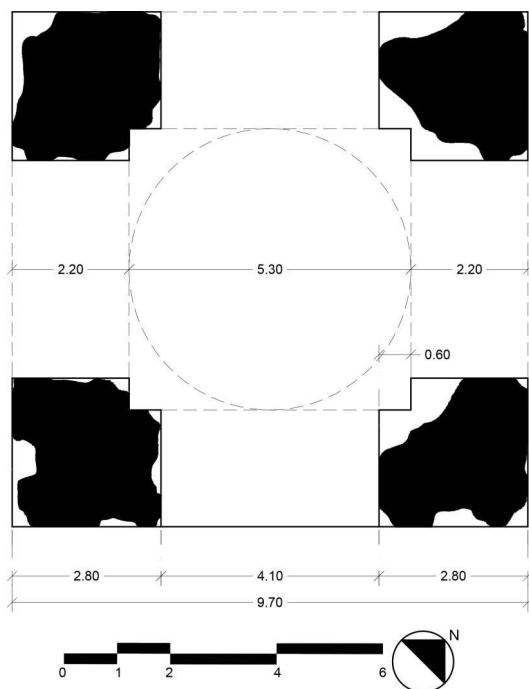
چهارتاقی مایی‌ماه: یک کیلومتر به سمت جنوب روستای مایی‌ماه، قسمتی از آثار باقی مانده بر روی یک صخره بزرگ دیده می‌شود که «پشتیل» نامیده می‌شود. پشتیل، باقی مانده بنایی است که احتمالاً مکمل یک چهارتاقی است. گنبد و تاق بنا تقریباً خراب شده و وجود خارجی ندارد و حتی مقدار بسیار کمی از آثار ساختمانی پایه‌ها باقی مانده است (نقشه ۵).

چهارتاقی کوشک خانيفر: این بنا با نام چهارکله یا چهارپا نیز نام‌گذاری شده است. در ۱۲ کیلومتری جنوب امام‌زاده پیر واقع شده است. چهارتاق بر روی تپه‌ای ساخته شده که به صورت خمیده مشرف به دشتی به شکل نعل اسب است. از چهارتاق در سمت جنوب شرقی چشم‌انداز



نقشه ۵. چهارتاقی پشتیل ماه‌مایی (Vanden Berghe, 1977: 178، اجرا: نگارنده).

وسیعی بر روی سرزمین یا دشت مرسن‌آب یا چالاب یا چالان قرار دارد که امتداد آن دشت منتهی به مهران است. برخی این دشت را «مزینان» یا «داراب‌پالک» می‌نامند. چهارتاق کاملاً مربع است. گذر از سطح مربع‌شکل به سوی سطح مدور گنبدی توسط چهارتاق نما به ارتفاع ۶۰ سانتی‌متر به اجرا درآمده است. گنبد که قسمت فوقانی آن تخریب گردیده با ارتفاعی حدود ۳ متر بنا شده است. ارتفاع کل ساختمان حدوداً ۷ متر است. امروز چهارتاق با عنوان اثری از خرده‌آجر و قلوه‌سنگ و سنگ‌ریزه‌هایی که به صورت نامنظم و نه به صورت تخته‌سنگ با کمک ملات گچی ساخته شده، معرفی می‌شود. بازسازی ظاهری آن با تکه‌سنگ‌های انتخاب‌شده موجب پنهان و مخفی شدن ملات گچی بنا شده است (نقشه ۶ و تصویر ۲).

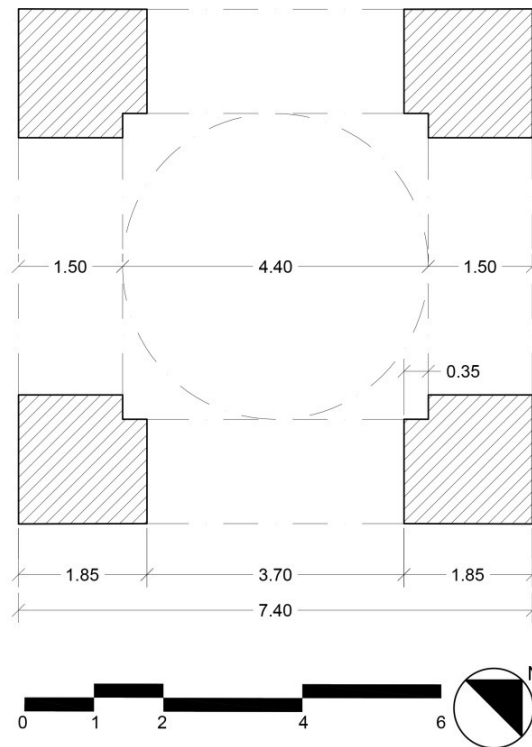


نقشه ۶. چهارتاقی کوشک خانینفر (Vanden Berghe, 1977: 179، اجرا: نگارنده).



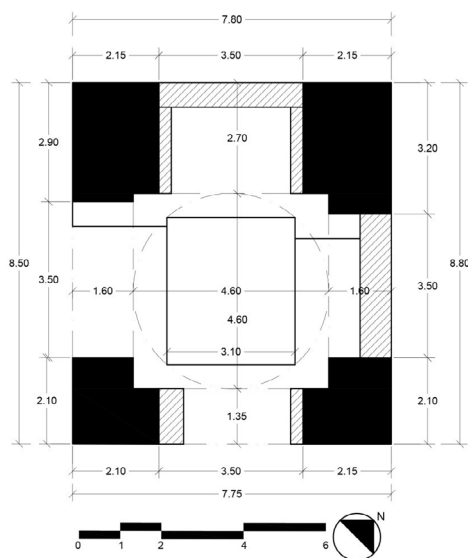
تصویر ۲. چهارتاقی کوشک خانيفر (Vanden Berghe, 1977: Pl. II).

آتشکده مهر-وارپیل: این بنا از سوی واندنبرگ در جریان پنجمین سری از کاوش‌های باستان‌شناسی در سال ۱۹۶۹ م. مشاهده و بررسی شده است. چهارتاق در بلندای یک تپه و در ۸ کیلومتری جنوب روستای مهر قرار گرفته است. در همان سال در منطقه‌ای به نام «وارکا» در ۲ کیلومتری جنوب شرقی مهر و در ۶ کیلومتری وارپیل یک گور دسته‌جمعی مربوط به عصر مفرغ (۲۴۰۰-۲۷۰۰ ق.م.) به دست آمده است. هم‌چنین چند سکه اردشیر اول در عهد ساسانی نیز از این منطقه کشف شد. واندنبرگ در سال ۱۹۷۱ م. با خاک برداری پایه‌ها به اساس بنا دست‌یافت (نقشه ۷).



نقشه ۷. چهارتاقی مهر-وارپیل (Vanden Berghe, 1977: 181, اجرا: نگارنده).

آتشکده چنگیه: این بنا در مرکز روستایی در ۲۲ کیلومتری جنوب شرقی ایلام به نام «چانجی‌ها» قرار گرفته است. برای دسترسی به این روستا باید راه بین ایلام و چینارباشی به فاصله حدود ۱۶ کیلومتر را انتخاب کرد. سپس در سمت چپ یک راه خاکی را به فاصله ۶ کیلومتر پیمود. این چهارتاقی مربع کامل نبوده و هریک از اضلاع آن دارای ابعاد خاص خود هستند (نقشه ۸).

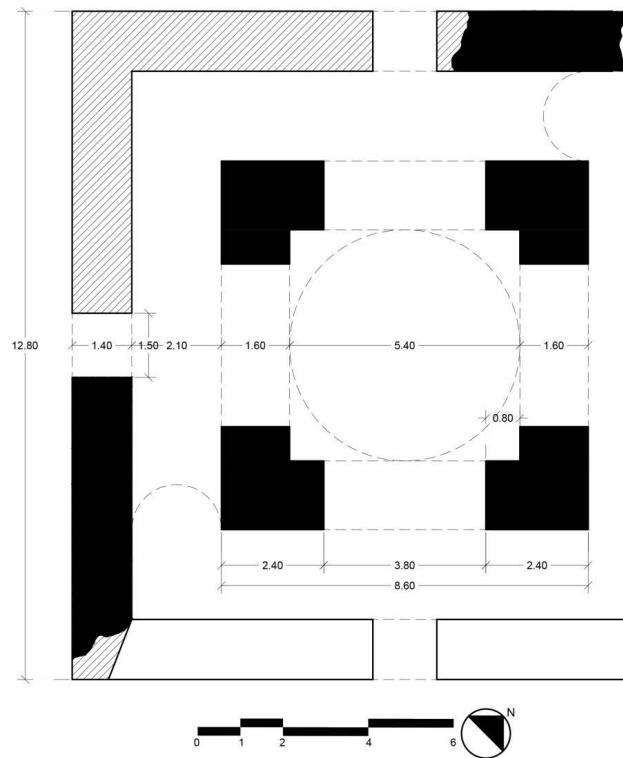


نقشه ۸. چهارتاقی چنگینه (Vanden Berghe, 1977: 183). اجرا: نگارنده.

آتشکده سه‌پا: واندنبرگ در جریان کاوش‌های خود در سال ۱۹۷۰ م. در بخش ایوان از محل سرتنگ تا دارونه را بررسی کرد. در این مسیر یک چهارتاقی به نام «سه‌پا» کشف می‌کند. سه‌پا از مسیری از سرتنگ تا دارونه مسافتی حدود ۱۲ کیلومتر است. این بنا بر روی دامنه شمال تپه‌ای مشرف به سطح کوچک هموار با همان نام واقع است. رودخانه گنجیر مسافتی نزدیک به ۵۰۰ متر از سمت چهارتاق به طرف شمال شرقی، یعنی از جنوب به طرف شمال را طی می‌کند. در ورای رودخانه، قسمتی مسطح به نام «گاویشان» قرار دارد؛ بنابراین «سه‌پا» تنها یک عنوان برای آن سطح کوچک هموار که برخوردار از رودخانه گنجیر است، نیست؛ بلکه محدوده چهارتاق را مشخص می‌کند. این نام بدان دلیل به این بنا داده شده که مسافرینی که در مسیر قرار داشتند قادر نبودند چهار پایه بنا را مشاهده کنند و با دیدن سه پایه آن، این نام را بر بنا گذاردند (تصویر ۳، نقشه ۹).



تصویر ۳. چهارتاقی سه‌پا (Vanden Berghe, 1977: 185, Pl. IV).



نقشه ۹. چهارتاقی سه‌پا (Vanden Berghe, 1977: 185, اجرا: نگارنده).

نتیجه‌گیری

این پژوهش براساس یک گزارش نسبتاً طولانی برمبنای داده‌های تاریخی و بازمانده‌های چهارتاقی‌های عصر ساسانی که در بسیاری از متون به آتشکده نیز معروف است، جمع‌آوری شده است. هدف این پژوهش تلاش در جهت تغییر مسیر مطالعات ساسانی از استان فارس به این سو است. منطقه غرب ایران به‌ویژه جنوب، به‌عنوان گرانیگاه دولت ساسانی با دولت‌هایی است که در غرب این امپراتوری اقامت داشتند و همواره این سرزمین را از این سو مورد تهدید جدی قرار می‌دادند. دولت ساسانی نمی‌توانست از آسیب‌هایی که از سمت غرب به تمامیت قدرتش یورش می‌برد، غفلت کند یا آن‌را نادیده بگیرد. به‌همین جهت استفاده از نهادهای مذهبی و ساخت اماکن وابسته به آن، به‌عنوان راهبردی جدی در دولت‌های ساسانی در این نواحی مورد توجه قرار گرفت. این تعداد از آثار به‌عنوان بخشی از آثار موجود در این منطقه است و چنان‌چه بناهای استان غربی چون کرمانشاه را به آن اضافه نماییم بر اهمیت این نواحی در دوره ساسانی آگاهی بیشتری می‌توان یافت.

دولت ساسانی نزدیک به ۴ قرن بر بخش اعظم غرب آسیا حکمرانی کرد. این قلمرو گسترده از شمال به سبیری و از شرق به میانه‌های شبه‌قاره هند و از غرب به دریای مدیترانه و از جنوب به بخش‌های جنوبی خلیج فارس منتهی می‌شد. مقر حکومتی امپراتوری مرکز فلات ایران در پارس که امروز «فارس» نامیده می‌شود، قرار داشت و در اواخر حکمرانی به جهت تأمین امنیت بیشتر به غرب با مرکزیت تیسفون انتقال یافت. احداث شهرهای باشکوهی چون شاپور یا بیشاپور (منطقه شاپورخوره) احیاء و گسترش استخر، و حفظ جایگاه ملی و دینی گور (فیروزآباد) در محدوده جغرافیایی نزدیک به هم، خود از اهمیت منطقه پارس برای دولتمردان و دستگاه عظیم مذهبی ساسانی حکایت دارد. چنان‌چه با بررسی اجمالی این منطقه، شمار آثار ساسانی و منسوب آن قابل مقایسه با هیچ‌یک از دیگر مناطق تحت نفوذ این شاهنشاهی نیست؛ به‌گونه‌ای که از میان

تمام نقش برجسته‌های ساسانی، تنها چند نقش برجسته کرمانشاه (که خود حاکی از اهمیت غرب برای ساسانیان بود) و یک نقش برجسته شهر سلماس و یک قطعه در افغانستان از تعداد موجود در فارس کسر شود، مابقی در منطقه پارس (فارس) جاری شده است. این حجم آثار را چنین می‌توان معنا کرد که پارس برای حاکمان ساسانی از نقش سیاسی و دینی ویژه‌ای برخوردار بود.

اما غرب و جنوب غرب ایران، در واقع کرانه غربی حکومت ساسانی، حائز موقعیت راهبردی ویژه‌ای است. منطقه‌ای که امروز دو استان خوزستان و ایلام در جنوب غرب و کرمانشاه در غرب نامیده می‌شود، در مرز بین‌النهرین باستان و همواره شاهد و دستخوش ناآرامی‌های ایران و غرب (یونان و روم) بود؛ به گونه‌ای که فقط بین دو دولت اشکانی و رُم در این منطقه، حدود ۳۰۰ سال کشمکش و درگیری حاکم بود. به همین دلیل، اخلاف آن‌ها (ساسانی‌ها) نمی‌توانستند به این ناحیه فوق راهبردی، توجه نداشته باشند. ساخت آتشکده ایزه که در غالب متون تاریخی و جغرافیایی آمده، به عنوانی مثالی از این توجه است؛ به گونه‌ای که اگر از خط الرأس جنوب غرب تا شمال غرب را تنها به عنوان یک نمونه پیگیری و شناسایی کنیم، چهارتاقی‌های ساخته شده در منطقه پشتکوه لرستان تا منطقه ایلام و دره شهر تا جنوب جلگه خوزستان، گواه اهمیت این منطقه به لحاظ جغرافیای سیاسی برای ساسانیان است.

پی‌نوشت

۱. تیفسون به عنوان مرکزی برای اعمال قدرت در منطقه غربی قلمرو حکمرانی بود. عموم کارهای دیوانی، انتظام ارتش، مانور تبلیغاتی حکومت و... تماماً در این سو بود.
۲. برای اطلاعات بیشتر به تارنمای استانداری‌های خوزستان به نشانی www.astan-khz.ir و ایلام به نشانی www.Portal-il.ir مراجعه شود.

کتابنامه

- ابن بطوطه، (۱۳۷۶). سفرنامه ابن بطوطه. ترجمه محمدعلی موحد، چاپ ششم، تهران: انتشارات آگه.
- ابودلف، مسعربن المهلهل الخزرجی، (۱۳۴۲). سفرنامه ابودلف. ترجمه سیدابوالفضل طباطبایی، تصحیح: ولادیمیر مینورسکی، تهران: انتشارات فرهنگ ایران زمین.
- اصطخری، ابوسحق ابراهیم، (۱۳۷۳). مسالک و ممالک. به کوشش: ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اقتداری، احمد، (۱۳۵۹). خوزستان و کهگیلویه و ممسنی. تهران: انجمن آثار ملی.
- اقتداری، احمد، (۱۳۶۶). «بهبهان». شهرهای ایران، جلد دوم، به کوشش: محمدیوسف کیانی، تهران: جهاد دانشگاهی. صص: ۲۸۶-۲۷۶.
- بلعمی، ابوعلی محمدبن محمد، (۱۳۸۵). تاریخ بلعمی. تصحیح: محمدتقی بهار، به کوشش: محمد پروین گنابادی، چاپ سوم، تهران: انتشارات زوار.
- حافظ‌ابرو، شهاب‌الدین عبدالله‌خانی، (۱۳۷۸). جغرافیای حافظ‌ابرو. مقدمه و تصحیح: صادق سجادی، تهران: مرکز نشر مکتوب.
- حدود العالم من المشرق الی المغرب. بی‌نا، (۱۳۸۳). به کوشش: منوچهر ستوده، تهران: طهوری.
- رضوانی، حسن، (۱۳۸۵). آتشکده شیان. کرمانشاه: بروشور منتشرشده توسط پایگاه میراث فرهنگی محور ساسانی کرمانشاه قصرشیرین.

- علی بیگی، سجاد، (۱۳۹۱). «آیا شیء گچی مکشوف از محوطه چمن‌نشت نشان از یک آتشکده دوره ساسانی دارد؟». پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، سال ۴، شماره ۸، پاییز و زمستان، صص: ۲۰۲-۱۹۶.
- طبری، محمدبن جریر، (۱۳۷۵). تاریخ طبری. ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر.
- طوسی، محمدبن محمودبن احمد، (۱۳۸۲). عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات. به‌اهتمام: منوچهر ستوده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- قزوینی، زکریا بن محمدبن محمود، (۱۳۷۱). آثارالبلاد و اخبارالعباد. ترجمه محمد مرادبن عبدالرحمان، تهران: دانشگاه تهران.
- کنعانی‌هندیجانی، عبدالمجید، (۱۳۸۱). تاریخ و جغرافیای سرزمین کهن با تمدن دیرینه از ارجان تا قپان. شیراز: نوید شیراز.
- گاو به، هاینس، (۱۳۵۹). ارجان و کهگیلویه از فتح عرب تا پایان دوره صفویه. ترجمه سعید فرهودی، تهران: انجمن آثار ملی ایران.
- گذار، آندره؛ و همکاران، (۱۳۷۱). آثار ایران. ترجمه سروقد مقدم، تهران: آستان قدس رضوی.
- لک‌پور، سیمین، (۱۳۸۴). «دره‌شهر». سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صص: ۱۲۷-۸۶.
- محمدی‌فر، یعقوب؛ و مترجم، عباس، (۱۳۹۰). «جولیان، آتشکده نویافته ساسانی در آبدانان ایلام». مجله باغ‌نظر، شماره ۱۹، سال ۸، صص: ۸۸-۷۷.
- مرادی‌غیاث‌آبادی، رضا، (۱۳۸۹). چهارتاقی‌های ایران. تهران: انتشارات ایران‌شناسی.
- مرادی، یوسف، (۱۳۸۸). «چهارتاقی میل‌میلگه، آتشکده‌ای از دوره ساسانی». مطالعات باستان‌شناسی، شماره ۱، صص: ۱۸۳-۱۵۵.
- مستوفی‌قزوینی، حمدالله، (۱۳۸۱). نزهة القلوب. ترجمه محمد دبیرسیاقی، تهران: حدیث امروز
- مسعودی، علی بن الحسین، (۱۳۸۲). مرّوج‌الذهب. ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- مقدسی، ابو عبدالله محمدبن احمد، (۱۳۸۵). احسن‌التقاسیم فی معرفة‌الأقالیم. ترجمه علینقی منزوی، تهران: انتشارات کومش.
- ناصری، علیرضا، (۱۳۸۲). «معرفی طاق شیرین و فرهاد و آتشکده سیاهکل ایوان». فرهنگ ایلام، شماره ۱۵، صص: ۳۷-۳۴.
- نامجو، عباس، (۱۳۹۲). بناهای چهارتاقی ایران. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- نیستانی، جواد، (۱۳۷۷). «ارجان». دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، به‌کوشش: کاظم موسوی‌بجنوردی، تهران: مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، صص: ۴۶۶-۴۶۲.
- هژیری، علی، (۱۳۹۵). «بررسی معماری ساسانی؛ آتشکده و کلیسا». سومین همایش باستان‌شناسی ساسانی، مجله کندوکاو، شماره ۸، صص: ۹۸-۷۷.
- یاقوت حموی بغدادی، ابو عبدالله، (۱۳۸۰). معجم‌البلدان. ترجمه علینقی وزیر. چاپ اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- یعقوبی (ابن‌واضح)، (۱۳۸۱). البلدان. ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- Vanden Berghe, L., (1965). "Nouvelles découvertes, de monuments du feud, époque Sassanide". *Iranica Antiqua*, Vol. V, Pp: 128-148.

- Vanden Berghe, L., (1977). "Les Chahar Taqs du Pusht-i Kuhi Luristan". *Iranica Antiqua*, Vol. XII, Pp: 175-199.